

طالقانی، بازگشت به قرآن در نقد دین‌داران

سیدماجد غروی

شرق، ش ۵۷۱، ۸۴/۶/۱۷

چکیده: این مقاله با تأکید بر اندیشه‌های مرحوم آیت الله طالقانی، به واکاوی تعارضی می‌پردازد که در اندیشه و کردار برخی مسلمانان رسوخ کرده است؛ با وجود عقیده راسخ پیروان اسلام به «قداست مطلق» قرآن، بیش‌ترین مخالفان نهضت‌های فکری و اجتماعی بنا نهاده بر پایه قرآن، از میان دین‌داران و شریعت‌محوران بوده است. نویسنده پس از اشاره به برخی اندیشه‌های مرحوم طالقانی درباره بازگشت به قرآن و پیامدهای فرخنده آن، به بررسی این پرسش اساسی می‌رسد که اساساً اندیشه «بازگشت به قرآن» چه نتایجی برای برخی متولیان دین داشته که مخالفان این دعوت را بر نتافته، تلاش‌های آنان را نیز تخطئه می‌نمودند.

به عقیده نگارنده طرح، دعوت «بازگشت به قرآن» - که مرحوم طالقانی یکی از پرچم‌داران آن در عصر حاضر بود - دو خطر عمده برای متولیان دین و حاکمان مستبد زمین در پی داشته که چنین اندیشه‌ای همواره با مخالفت آنان روبه‌رو می‌گردید:

نخست آن که با بازگشت به قرآن و بهره‌گیری از تعالیم اصیل آن، بازار عوام‌فریبی و دین‌فروشی برخی متولیان به کساد گراییده و منافع بهره‌مندان دین سطحی و عوام‌پسند به مخاطره می‌افتد.

دیگر این که حاکمان مستبد و زورمدار که از دین پیرایه‌دار و غیر اصیل بهترین سلاح محدود کفنده آزادی افراد را فراهم آورده‌اند، خلع سلاح شده و ادامه خودکامگی و استبدادشان را ناممکن می‌بینند.

آثار و اندیشه‌های آیت‌الله طالقانی به وضوح نشان می‌دهد که اساس اندیشه دینی وی بر قرآن بنا شده است. اما سؤال مهمی که این مقاله در جست‌وجوی پاسخش شکل گرفته، آن است که

بازتاب اندیشه ۶۷
طالقانی،
بازگشت به
قرآن در نقد
دین‌داران

چطور در حالی که تمامی مسلمانان از قرآن حرف می‌زنند و برای آن قداست مطلق قائلند، نهضت‌های فکری که بر مبنای بازگشت به قرآن بنا شده، پیش از آنکه با مخالفت مخالفان دین روبه‌رو شود با دشمنی کسانی مواجه می‌شود که مدعیان دین‌داری بوده‌اند. به راستی گمان این مدعیان چه بوده که تدبر در قرآن در قاموسشان تا سرحد ارتداد و خروج از دین معنا می‌یافته است. این سؤالی است که قدمتی شاید به اندازه تاریخ اسلام (یا بهتر بگویم تاریخ ادیان) دارد. اما آنچه به‌طور خاص این مطلب در صدد تبیین آن است، بررسی ابعاد این تعارض در اندیشه مرحوم آیت‌الله طالقانی است. نطفه‌های این برخورد را نخست از زبان وی می‌شنویم: «من خود به یاد دارم در حدود سال ۱۳۱۸ که از قم به تهران برگشتم، در مسجد مرحوم پدرم شروع کردم به تفسیر قرآن گفتن. اما از طرف مجامع دینی کوبیده شدم که چه حقی دارد کسی تفسیر قرآن بگوید، این قرآن باید در بست خوانده شود و مردم باید به قرائتش پردازند. چقدر من فشار تحمل کردم تا بتوانم این راه را باز کنم که قرآن برای تحقیق و تفکر و تدبر است، نه فقط برای خواندن و تیمن و تبرک جستن».^۱ «عمل مسلمانان اعلان کننده این مطلب است که قرآن سیمتی در جهان امروز ما ندارد و فقط برای تقدیس و تبرک و تشریفات و از سرحد مرگ به آن طرف است. هر جا که صدای قرآن بلند می‌شود از مردن و گور و تلقین سخن شنیده می‌شود».^۲ «شمارا به خدا بایید قرآن را از دست عمال اموات بیرون بیاوریم. ببینید که این کتاب حیات، کتاب حرکت، کتاب قدرت، کتاب هدایت و کتاب ایمان به چه سرنوشتی در میان ما دچار شده است».^۳

اما برای این اربابان و مدعیان دین، بازگشت به قرآن چه خطری داشت که این چنین در برابرش می‌ایستادند. آنچه از فحوای کلام طالقانی استنباط می‌شود این است که منافع سیاسی حکومت‌ها همیشه در این بوده که دین‌داری مردم در عمل به مسائل رساله‌های عملیه محدود شود و از اساس دعوت انبیا که «حرکت و مبارزه برای آزادی و عدالت» است سخنی به میان نیاید: «آن مسلمانی که خیال می‌کند نمازش را خوانده و روزه‌اش را گرفته و دعایش را خوانده و تکلیفش ساقط شده و منظور همین بوده، دین را نفهمیده است. آنکه خیال می‌کند به همه رساله عملیه عمل کرد و دیگر هیچ مسئولیتی ندارد، دین را نفهمیده است. ما می‌گوییم اسلام دین تحرک است، حال چرا مسلمانان تحرکشان از بین رفته است؟ برای اینکه عبادات را منتهای مسئله و مسئولیت بعثت انبیا گمان کرده‌اند. سرهایمان را به پایین انداخته‌ایم و شانه

بازتاب اندیشه ۲۷
 ۲۲
 طالقانی،
 بازگشت به
 قرآن در نقد
 دین‌داران

۱. از آزادی تا شهادت، ص ۱۵۵، سخنرانی به مناسبت شهادت استاد مطهری

۲. مناره‌ای در کویر، ص ۱۶۵ ۳. مناره‌ای در کویر، ص ۱۸۶

از زیر بار مسئولیت‌ها خالی کرده‌ایم. اینکه فقط دین را در چند جمله طهارت، نماز و روزه خلاصه کرده‌ایم و بس... در صورتی که مسلمانی و دین داشتن یعنی تعیین سرنوشت، استقرار محیط امن، آزادی بیان، دخالت در امور زندگی، دخالت در اقتصاد، دخالت در بیت المال مملکت.^۱ بنابراین در نگرش طالقانی محتوای عملکرد اجتماعی افراد، معیاری است برای سلوک توحیدی‌شان نه عمل بر مبنای ظاهر احکام و شعائر دین.

غور طالقانی در قرآن آنچنان آزاداندیشی پیامبرانه‌ای را در وی رشد داده بود که در تفسیر آیه ۲۱ سوره آل عمران «و یقتلون الذین یأمرون بالقسط من الناس» می‌گوید: «آمرین به قسط از دیگر مردم (من الناس) گرچه از پیامبران و پیروان پیامبران نباشند (اگر دعوت پیامبران به آنها نرسیده باشد یا چنان‌که هست در یافت نکرده‌اند و در صف معاند و مخالف آن دعوت نبودند) هدف پیامبران را انجام می‌دهند و در این جهت، آگاهانه یا ناآگاه، در راه آنها می‌روند و کشتندگان پیامبران و کشتندگان آنها در یک مسیر هستند که پایانش عذاب الیم است.»^۲ این چنین دین‌داری حکیمانه‌ای، طبیعتاً بازار دین‌داری عوامانه را مختل می‌کند که در آن جز سخنی از ظواهر احکام (که بسیاری از آنها ریشه‌ای هم در قرآن و متن اصیل دین ندارند) چیز دیگری بیان نمی‌شود و جز مبدل ساختن انسان آزاد و متفکر به انسانی متعبد و مقلد نتیجه‌ای ندارد. البته در لابه لای این جملات باید با ظرافت پاسخ آن سؤال نخستین را جست‌وجو کرد که «بازگشت به قرآن» چه منافعی را از مدعیان دین‌داری به خطر می‌انداخت که این چنین در برابرش ایستادند. خطری را که طالقانی در رفتار و اندیشه این افراد می‌دید، به صراحت بر زبان می‌آورد و این تیزبینی در نگاه و استواری در بیان، درست رمز همان «کوبیده شدن از طرف مجامع دینی» است که طالقانی از آن سخن به میان می‌آورد. چکیده اندیشه طالقانی در این زمینه را می‌توان از زبان خودش چنین آورد: «هر کس به اصول ادیان و مبانی آن آشنا نباشد و سیر تاریخ آن را نداند، وضع و اعمال تاریخی بسیاری از منتسبان به ادیان او را از هر جهت به دین بدبین می‌نماید و گمان می‌کند دین تأسیس شده برای دشمنی با نوع انسان و در هم شکستن عقل و منطق.

دستگاه‌های مسیحیت در قرون وسطی نمونه بارزی است از جنایات و اعمالی که می‌شود به نام دین و مقدسین انجام یابد و بی‌دینی و بدبینی امروز دنیا نسبت به دین یک قسمت از آثار شوم و عکس‌العمل همان دستگاه‌های مسیحیت است که تنها به کشتن و زجر مردم و بردن اموال اکتفا نمی‌کردند، بلکه به واسطه تعلیمات شرک‌آمیز اصول، توجه را از میان

بازتاب اندیشه ۶۷

۴۵

طالقانی،
بازگشت به
قرآن در نقد
دین‌داران

۱. ابوذر زمان، ج ۲، ص ۴۰۰
۲. پرتوی از قرآن، ج ۳، ص ۶۲

می‌بردند و عقول را خفه می‌کردند و به واسطه زجر دانشمندان افکار را راکد می‌کردند و به واسطه باز کردن تجارت‌خانه‌های بهشت‌فروشی و گناه‌خری، اخلاق عمومی را فاسد و فضایل را از میان می‌بردند؛ زیرا که هر گناه و جنایتی در مقابل پول قابل‌آمزش شده بود و انسان که طبعاً تمایل به گناه و تعدی دارد، وقتی که دین هم از این طبیعت پشتیبانی کرد و مغرورش کرد البته از ارتکاب هیچ نوع جنایت و گناهی نمی‌اندیشد. به این جهت آمار جنایات منتسبان به دین در بعضی از شهرهای اروپا نسبت به دیگران افزون شده بود، چون اشخاص غیرتمندی اگر به حسب میل طبیعی گناهی مرتکب می‌شوند، بسا مورد سرزنش وجدان قرار می‌گیرند ولی متدینان که دین مغرورشان کرده با خیالی راحت و وجدانی آرام مرتکب گناه می‌شوند... در بازار دین‌سازی، متاع ریا و فریب‌کاری به سرعت رواج می‌یافت و معابد کمین‌گاه ربودن اموال و نفوس شده بود. چشم‌ها به سوی آسمان داشتند ولی دل‌ها از شقاوت و شرک انباشته بود... افکار و عواطف را می‌کشتند و بی‌گناهان را می‌سوزاندند و اموال را می‌ربودند... ستم‌کاری و نادانی و فساد به نام شریعت بر سر مردم خیمه زده بود. در میان تاریکی هرگاه فکری برق می‌زد و حقیقتی فهمیده می‌شد، جزای صاحب فکر و کاشف، لهیب آتش و دم شمشیر و تیزی تبر بود.^۱ البته نباید ساده‌انگارانه تمام مخالفت‌هایی را که با جریان فکری بازگشت به قرآن در طول تاریخ شده است را به این موضوع محدود دانست، بلکه باید متوجه بود که این اندیشه آزادگی دینی و آزادی‌خواهی اجتماعی، نوع خاصی از نگاه به مسائل سیاسی و اجتماعی را شکل می‌دهد که خود عاملی می‌شود برای مخالفت صاحبان قدرت و متشرعان ظاهرپرست با بازگشت قرآن به صحنه مبارزات اجتماعی. اما سؤالی که باید اینجا در اندیشه طالقانی به جست‌وجو بنشینیم، این است که منافع متولیان دین با مستبدان زمین چه اشتراکی دارد که آنان را در یک جبهه در مقابل پیامبران و نیز در برابر آنان که در خط پیامبران از متن اصیل دین پیروی می‌نمایند، قرار می‌دهد؟ در این بخش نیز فحوای کلام طالقانی این است که حکومت‌های استبدادی با حربه تزویر بر مردم فرمان می‌رانند. آنها دین، اعتقادات و رفتارهای مردم را تعیین و مشخص می‌کنند. این چنین است که دشمن معارض پیامبران، بی‌دینی مردمان نیست بلکه روایتی است از دین که بهترین توجیه‌کننده رفتار آنان است و در طول تاریخ به مقابله با پیامبران ایستاده است.

بازتاب اندیشه ۶۷

۳۶

طالقانی،
بازگشت به
قرآن در نقد
دین‌داران

جان کلان طالقانی این است که بشر چون فطرتاً آزاد خلق شده و آزادی برای وی حتی از عدالت نیز حیاتی‌تر و مهم‌تر است^۲، به سادگی بندها و تحمیل را نمی‌پذیرد، به همین جهت

۱. مناره‌ای در کویر، مجموعه مقالات آیت‌الله طالقانی، بی‌دینی امروز در جهان، ص ۲۷۵

۲. رک: راهی که نرفته‌ایم، ص ۲۴۴

طبقات برتر برای گسترش استیلای خود بر جامعه باید استبداد خود را با تزویر و دسیسه به جامه «خدمت به خلق و تبعیت از خالق» آراسته سازند. آیا دین خرافی بهترین زمینه‌ساز پذیرش چنین تحمیلی از جانب مردم نیست؟ «از همه خطرناک‌تر یعنی آنچه را که احبار و رهبان و همکاری آنها با طبقات ممتاز بر مردم تحمیل کرده بودند به نام دین، این خطرناک‌ترین تحمیلات است».^۱ «کار این شعبه این است که مطالب و سخنانی از دین یاد گرفته و ظاهر خود را آن طور که جالب عوام ساده باشد، می‌آریند و مردمی را که از اصول و مبانی دین بی‌خبرند و به اساس دعوت پیامبران گرامی آشنایی ندارند، می‌فریبند و مطیع خود می‌سازند و با این روش فریبنده، به نام غم‌خواری دین و نگهداری آئین، ظل شیطان را بر سر عموم می‌گسترانند و در زیر این سایه شوم جهل و ذلت مردم را نگاه می‌دارند. این دسته چون با عواطف پاک مردم سروکار دارند و در پشت سنگر محکم دین نشسته‌اند، خطرشان بیشتر و دفعشان دشوارتر است».^۲ این اندیشه‌های طالقانی به روشنی نشان می‌دهد که چرا دیگر روشن‌فکران دینی معاصرش نیز بزرگ‌ترین عامل تباهی بشر را قرار گرفتن عامل تزویر در کنار زر و زور می‌دانستند.

● اشاره

۱. قصهٔ پر غصهٔ «مهجوریت قرآن» و دوری امت مسلمان از تعالیم حیات‌بخش آن، حکایت تلخی است از هشدارهای مکرر پیامبر گرامی اسلام ﷺ و ناشنیدن بسیاری از مسلمانان در طی تاریخ و گرفتار آمدن امت اسلام در گرفتاری‌ها و سختی‌های سیاسی، اجتماعی و دینی. از این رو، شاه بیت ندای رهایی بخش تمامی صالحان و مصلحان - از پیشوایان معصوم ﷺ گرفته تا عالمان و پویندگان حقیقی راهشان - چنگ زدن به این ریسمان محکم الاهی و گرد آمدن بر محور تعالیم زندگی‌ساز آن بوده است. بنابراین محدود کردن این شعار اساسی و بنیادین به زمانی خاص و منحصر دانستن آن در اندیشهٔ چند متفکر و دانشمند مسلمان، با واقعیات تاریخی هم‌سوایی چندانی ندارد.

۲. چنان‌چه بر این ادعا اصرار بورزیم که شعار «بازگشت به قرآن» پاسخ به یک پرسش سیاسی، اجتماعی بود که در اواخر قرن ۱۳ و اوایل قرن ۱۴ از طرف اندیشمندان و مصلحانی همچون سیدجمال‌الدین اسدآبادی مطرح شد، باید بگوییم همهٔ داستان این‌گونه نیست و این رود خروشان از سرچشمه‌های متفاوتی تغذیه می‌شود. اساساً طرح شعار «بازگشت به قرآن» با انگیزه‌ها و انتظارات گوناگونی ظهور یافته است. گروهی با طرح پرسش‌ها و تهیه پاسخ، به قرآن روی آوردند تا برای سخنان خود مستندی بیابند و به

بازتاب اندیشه ۶۷
۳۷
طالقانی،
بازگشت به
قرآن در نقد
دین‌داران

۲. تنبیه الامه و تنزیه المله، ص ۱۲۰، باورقی طالقانی

۱. همان، ص ۲۴۳

آنچه یافته‌اند رنگ دینی بدهند. گروه دیگر با اهرم قرار دادن قرآن، جوامع اسلامی را در برابر استعمار بیدار و متحد کرده و با تکیه بر یک بُعد قرآن، ابعاد دیگر آن را به فراموشی سپرده‌اند. گروه دیگری نیز بودند که دوای دردهای فردی و اجتماعی مسلمانان را تمسک و بهره‌مندی از پیام‌های زندگی بخش قرآن می‌دانستند. و با نگاهی جامع و ژرف در معارف قرآن، مردم را به عمل به قرآن در همه ابعادش فرا می‌خواندند.

به همین موازات، صف مخالفان بازگشت به قرآن و تعمق و تدبر در آن را نیز گروه‌های متعددی تشکیل می‌دهند که هر چند در ابزار مخالفت مشترکند، اما انگیزه‌ها و خاستگاه‌های متفاوت دارند. جا داشت نویسنده محترم با تفکیک این مخالفان، در بررسی اندیشه‌های مرحوم آیت‌الله طالقانی، کامیابی بیش‌تری را نصیب خود می‌کرد.

همان گونه که نویسنده به درستی اشاره کرده، برخی از تفسیرستیزان و تبیین‌گریزان قرآن، کسانی‌اند که سفره بهره‌مندی مادی خود را در کنار اسلام ظاهری و سطحی گسترده‌اند و نگاه عالمانه به قرآن و دقت موشکافانه از متون دینی را با منافع خود در ستیز می‌بینند. طبیعی است این عده در مقابل شعار بازگشت به قرآن و تأمل و تدبر در آن، جبهه بگیرند و تلاشگران این عرصه را با انواع ترفندها تخطئه نمایند.

اما به نظر می‌رسد این عده اقلیتی از جبهه مخالفان را تشکیل دهند و اکثریت آنان گروه دیگری باشند؛ گروهی که آب‌شخور اصلی تفکرشان نه «به خطر افتادن منافع»، که نحوه نگرش ناصحیح‌شان به مقوله برداشت و پیام‌گیری از قرآن و سایر متون دینی است. این نگرش، تنها برداشت سطحی و ظاهری از متون دینی را صحیح دانسته و هرگونه تلاش و کوشش برای یافتن جان پیام و گوهر مقصود را سنت‌شکنی و بدعت به شمار می‌آورد. این افراد - که به حق شایسته لقب «متحجر» شده‌اند - همواره به مفاهیم سطحی و ظاهری متون دین بسنده کرده و تمام دین را در همان معنای رویین محدود می‌دانند و هرگونه تدبر و تأمل بیشتر و گذر از معنای ظاهری را گناهی نابخشودنی می‌پندارند. چنین نگاه متحجرانه به قرآن، پیامدی جز این ندارد که اصیل‌ترین منبع دین را در گذر زمان مدفون کند و این کتاب زندگی‌ساز را همنشین اصحاب گورستان نماید.

به عقیده این قلم، سخت‌ترین و طاقت‌فرساترین وظیفه مصلحان و اندیشمندان اسلامی همچون مرحوم طالقانی، نقد این تفکر و رویارویی با اصحاب این نگرش بوده است. این رویارویی آن چنان نفس‌گیر و پرمشقت است که بزرگ مصلح قرن اخیر، حضرت امام خمینی^ع، را به شکوه و اطمینان می‌دارد که: «خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است، هرگز از فشارها و سختی‌های دیگران نخورده است».^۱

بازتاب اندیشه ۶۷

۴۸

طالقانی،
بازگشت به
قرآن در نقد
دین‌داران